

بررسی و تحلیل کاربرد آیات و احادیث در شرح شطحیات روزبهان بقلی

تقی پورنامداریان*

استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران

الهام رستاد**

دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرّس دانشگاه جهرم، جهرم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۱۸؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۶/۰۹)

چکیده

استفاده از آیات قرآن و احادیث نبوی در متون منشور پس از اسلام امری رایج بود که به منظور حفظ کلام الهی و نبوی، همچنین آرایش و تزیین متن به شیوه‌های گوناگون به کار می‌رفت. کاربرد آیات و احادیث، اساس و شالوده متون عرفانی را تشکیل می‌دهد که در نثرهای ساده و فنی این دسته از متون به صورت گسترده به کار رفته است. کتاب شرح شطحیات اثر روزبهان بقلی از جمله متون منشور عرفانی به نثر فنی (قرن ششم) است که در آن بیش از هزار بار آیات قرآن و احادیث نبوی به شیوه‌های مختلف به کار رفته است. در این مقاله کوشش شده است با مطالعه دقیق و کامل کتاب شرح شطحیات، ابتدا، آماری جامع از تعداد آیات و احادیث به کار رفته در متن ارائه شود و پس از نشان دادن موارد پرکاربرد، از سه دیدگاه دستور، بیان و معانی به بررسی و تحلیل کاربرد انواع آیات و احادیث کتاب پرداخته شود. در بخش دستور، نقش‌های دستوری آیات و احادیث اعم از فاعلی، مفعولی، اضافی و... نیز نحوه قرار گرفتن آن‌ها در جمله بررسی شده است. در بخش بیان، اضافه‌های تشبیهی ساخته شده با آیات و احادیث، تصاویر شاعرانه حاصل از آن‌ها، انگیزه و اهداف روزبهان از ساختن این گونه تصاویر تحلیل و بررسی شده است. در قسمت معانی نیز بر اساس دیدگاه حسین خطیبی به بررسی اغراض ثانوی کاربرد آیات و احادیث در جمله پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آیات و احادیث، شرح شطحیات، روزبهان بقلی، اقتباس و شیوه‌های کاربرد آیات و احادیث در نثر.

* E-mail: piruz2020@gmail.com

** E-mail: erastad@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

کاربرد آیات و احادیث به تقلید از نثر عربی در متون منثور فارسی راه یافت. جاحظ استفاده از آیات قرآن و احادیث نبوی را امری واجب برای کاتب قلمداد کرده است. به گفته او استفاده از آیات و احادیث از محاسن کلام و دلیل رونق و انسجام آن است که به شیوه‌های متعددی صورت می‌گیرد، همچون استشهاد برای استدلال و خاتمه دادن به نزاع، تضمین و... (ر.ک؛ القلقشندی، ۱۴۱۸م، ج ۱: ۱۹۴-۱۹۰). در آغاز، اقتباس از آیات قرآن و احادیث از نظر تأیید و تأکید مطلب، اقتضای معنی یا اقامه حجت اهمیت داشت، اما به مرور زمان غیر از این اهداف برای زینت و آرایش کلام نیز به کار رفت، به گونه‌ای که علمای بلاغت به تفصیل درباره آن سخن گفتند. به گفته خطیبی کاربرد آیات و احادیث در نثر فارسی تنوع و تکلف بیشتری نسبت به نثر عربی دارد، چرا که به دلیل اختلاف زبان لازم بود هنگام پیوستن آیات و احادیث به جمله‌ای در متن فارسی دقت و شرایط فنی خاصی رعایت شود، اما در متون عربی نیازی به این گونه ملاحظات نبود (ر.ک؛ خطیبی، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

در متون عرفانی آغازین چون *کشف‌المحجوب* و *رساله قشیریه* آیات و احادیث جهت تأکید و تأیید مطلب، ترجمه یا ارائه شرح و تفسیری گسترده‌تر به کار می‌رفت، اما اواخر قرن پنجم و در قرن ششم، همزمان با اوج‌گیری نگاه تأویل‌گرا و عرفانی به معانی آیات قرآن و احادیث، اقتباس به قصد تأیید و تأکید مطلب نیز جلوه دیگری به خود گرفت. استعمال اضافه‌های تشبیهی و ساخت تصاویر شاعرانه با آیات و احادیث و استفاده از آنها برای بیان معانی ظریف و دقیق عرفانی رواج یافت. این امر در *النوبة الثالثة* تفسیر میبیدی، آثار *عین‌القضات* و *روزبهان بقلی فراوان* دیده می‌شود. عارفان مانند بسیاری از اهل علم، آیات و احادیث را تنها به منظور دلیلی برای اثبات عقاید و مدعای خویش به کار نبردند، بلکه از آن همانند عنصری تصویرساز جهت تأکید و القای مؤثر معانی و محتوای والای عرفانی بهره بردند.

روزبهان بقلی شیرازی (۶۰۶-۵۲۲ هـ. ق.) ملقب به شیخ شطّاح از عارفان بزرگ قرن ششم است که آثار بسیاری در تفسیر، شرح احادیث، فقه، کلام، عرفان و تصوّف به رشته تحریر درآورده است. از جمله آثار زیبا و معروف وی در عرفان، کتاب *عبهرالعاشقین* و *شرح شطحیات* است. روزبهان در شرح *شطحات* به شرح و توصیف سخنان شورانگیز عارفان و دفاع از شطحیاتی چون «أنا الحق» حلاج و «سُبْحانی ما أعظم شأنی» بایزید پرداخته است. او هدف خود را از نوشتن کتاب، شرح اینگونه سخنان عجیب و شگفت عارفان بزرگ - یعنی همان شطحیات - و در نتیجه، پاک و میرا ساختن آنها از دروغ و بهتان و افترای نادانان و ناشناسان طریقت خوانده است. ابزار روزبهان برای شرح شطحیات، استفاده از آیات قرآن و احادیث است، آن هم نه به شیوه ساده و معمول، بلکه به شکل پیچیده و پُر تصویر. در حقیقت، می‌توان گفت زبان شرح روزبهان، برای شطحیات، زبانی آکنده از تصویرهای

آمیخته، پی‌درپی و پیچیده‌ای است که در بیشتر موارد یک سوی آن را آیات قرآن و احادیث نبوی شکل داده است.

بررسی تأثیر آیات قرآن و احادیث در متون فارسی امری رایج است، اما معمولاً در این پژوهش‌ها به ارائه آمار و نشان دادن گونه‌های مختلف اقتباس اکتفا می‌شود. حسین خطیبی در کتاب فن نثر در ادب پارسی تلاش کرده است شیوه‌های مختلف کاربرد آیات و احادیث در متون نثر پارسی را از نظر ارتباط لفظی و معنوی آن با جمله نشان دهد. محمدعلی محمدی نیز در پایان‌نامه خود با عنوان تأویل آیات و احادیث در متون فارسی تا قرن هفتم، تأویل و انواع آن را در متون اسماعیلی، فلسفی و عرفانی بررسی کرده است (ر.ک؛ محمدی، ۱۳۷۴). در بخش عرفانی آن، چهار دسته‌بندی کلی صورت گرفته که عبارتند از: ۱- تأویل مفاهیم قرآنی. ۲- تأویلات تصویری. ۳- کاربرد آیات و احادیث همانند شاهی برای اصطلاحات عرفانی. ۴- برداشت خاص از آیه و حدیث. بنابراین، دسته‌بندی دقیقی برای نشان دادن شیوه‌های مختلف کاربرد آیات و احادیث انجام نشده است.

از آنجا که کتاب شرح شطحیات روزبهان بقلی تصحیح هانری کربن تعلیقات مناسبی ندارد، لذا تاکنون آیات و احادیث در این متن به طور کامل و دقیق بررسی نشده است.^۱ از سوی دیگر، شیوه این پژوهش نسبت به موارد مشابه تازگی دارد، چرا که کوشش کرده‌ایم پس از مطالعه دقیق و گسترده کتاب شرح شطحیات و نشان دادن، آمار آیات و احادیث و موارد پرکاربرد، پیوند آنها را با بافت متن از سه منظر دستور، بیان و معانی، بررسی و تحلیل کنیم.

۱- آیات و احادیث در شرح شطحیات

به طور کلی، ۱۱۲۸ مرتبه آیات قرآنی در کتاب شرح شطحیات به کار رفته که ۴۸۰ آیه غیر تکراری است. همچنین ۴۰۰ مرتبه احادیث نبوی استفاده شده که ۱۷۱ مورد غیر تکراری است. در جدول زیر آیاتی که بیش از ده بار و احادیثی که بیش از پنج بار تکرار شده، آمده است:

شمار تکرار	آیه
۲۴	«أَرِنِي» (الأعراف / ۱۴۳)
۳۱	«أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» (الأعراف / ۱۷۲)
۱۳	«إِنِّي أَنَا اللَّهُ» (القصص / ۳۰)
۱۲	«تُبَّتْ إِلَيْكَ» (الأعراف / ۱۴۳)
۲۰	«دَنَا فَتَدَلَّى» (النجم / ۸)
۱۴	«رَبَّنَا ظَلَمْنَا» (الأعراف / ۲۳)

۱۳	«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى» (الإسراء / ۱)
۱۳	«وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه / ۱۲۱)
۱۴	«قَابَ قَوْسَيْنِ» (النجم / ۹)
۱۳	«قُلِ اللَّهُ نَمَّ ذُرَّهُمْ» (الأنعام / ۹۱)
۱۲	«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (الرحمن / ۲۶)
۱۸	«مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى» (النجم / ۱۷)
۱۳	«مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» (النجم / ۱۱)
۲۹	«هَذَا رَبِّي» (الأنعام / ۷۶، ۷۷ و ۷۸)

شمار تکرار	حدیث نبوی
۶	أَنْتَ كَمَا أَتْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ
۶	جَاءَ اللَّهُ مِنْ سِينَا
۱۵	خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ
۸	رَأَيْتُ رَبِّي فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ
۶	الْفَقْرُ فَخْرِي
۴۱	لَا أَحْصِي ثَنَاءً
۶	لَسْتُ كَأَحَدِكُمْ
۸	لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ

جدول فوق نشان می‌دهد که روزبهان در تألیف شرح شطحیات بیشتر تحت تأثیر کدام یک از آیات و احادیث قرار گرفته است و اینکه مضامین کدام یک از آنها برای او بیشتر الهام‌بخش است و ابزاری برای تصویرسازی و ابداع مضامین و تأویلات عرفانی به شمار رفته است، چنان‌که در بخش بیان خواهیم دید، ایجاد تصاویر شاعرانه با آیات و احادیث پرکاربرد نیز بیشتر است.

تعدد، تنوع و پیچیدگی کاربرد آیات و احادیث در شرح شطحیات نظر خطیبی را مبنی بر سادگی و بی‌تکلفی صنعت اقتباس در نثرهای عرفانی قرن ششم رد می‌کند. ایشان در این باره چنین گفته‌اند: «در نثرهای عرفانی [قرن ششم] نیز صنعت اقتباس معمول و متداول بود، لیکن به شیوه قدیم، هیچ گونه تکلف و تنوعی نداشت و به سادگی و روانی در سیر طبیعی معنی، به طریق ارسال و اطلاق جای می‌گرفت و بیشتر به صورت نقل قول و گاه با ترجمه و شرح همراه بود، به کیفیتی که اگر از رشته عبارت برداشته می‌شد، معانی نمی‌گسیخت و عبارت ناقص و ناتمام و یا مشوش به نظر نمی‌آمد» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۲۰۸).

۲- پیوندهای دستوری آیات و احادیث با متن شرح شطحیات

آیات قرآن و احادیث را در شرح شطحیات از نظر ارتباط و پیوند دستوری به دو شیوه می‌توان دسته‌بندی کرد:

۲-۱) ذکر آیات و احادیث بدون پیوند دستوری با جمله

این دسته از آیات و احادیث از حیث رابطه دستوری جدا از متن شرح شطحیات هستند و با حذف آنها از بافت متن رشته معنایی کلام دچار خلل و سستی نمی‌شود. حسین خطیبی چهار اسلوب برای کاربرد آیات و احادیث در متون نثر و کیفیت ارتباط لفظی آنها با متن تعیین کرده است. او این مورد را در قسم چهارم قرار داده است و چنین تعریف کرده است: «به صورت نقل قول با عباراتی که آیه یا حدیث را از رشته نثر منفک و مجزا نشان می‌دهد. در بین اقسام چهارگانه مذکور تنها در این مورد است که اگر آیه یا حدیث را از رشته عبارت جدا کنیم، پیوند معانی نخواهد گسیخت» (ر.ک؛ خطیبی، ۱۳۹۰: ۲۰۱)؛ مانند: «بدان که دروغ مظنه کفر است و ضمیمه ضلال، حیث قال - عَزَّ مِنْ قَال - «إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ» (وراوینی، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۵).

در شرح شطحیات این نوع به ندرت دیده می‌شود و موارد به کار رفته به صورت نقل قولی است که نمی‌توان آن را از رشته نثر جدا کرد: «نبینی که حق سید را گفت: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ»» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۳۳)؛ «نبینی که حق - سبحانه - از حال سلیمان چون خبر داد: «إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِيَاتِ الْجِيَادُ»» (همان: ۱۵۷)؛ «چنان که آسمان تحت سایه عرش - علیه السلام - گوید: «لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ»» (همان: ۲۶۱).

۲-۲) ذکر آیات و احادیث پیوسته با متن

در این شیوه آیات و احادیث به لحاظ دستوری وابسته به متن است و جدا کردن آنها از متن موجب گسستن رشته معنایی کلام می‌شود. این ارتباط از دو جهت قابل بررسی است که عبارتند از:

۲-۲-۱) نقش‌های دستوری

یکی از ویژگی‌های کاربرد آیات و احادیث در شرح شطحیات، تنوع نقش‌های دستوری آنهاست. روزبهان گاه از طریق آیه یا حدیث، قید حالت می‌سازد که نمونه آن را در متون عرفانی کمتر دیده‌ایم:

* نقش فاعل: « «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» بیخ اشکال از محل خیال برآورد» (همان: ۲۲۰).

* **نقش نهاد (مسنداً‌إلیه):** «لَعْمُرُكَ» تاج «لَوْلَاكَ» ش (همان: ۴۷)؛ «عَفَا اللَّهُ عَنْكَ» عذر گناه اهل آفاقش «(همان)؛ «لَوْ كَانَ مُوسَى حَيًّا مَا وَسَعَهُ إِلَّا اتَّبَاعِي» برید حضرت او «(همان).
 * **نقش مفعول:** «و بر منبر مسجد یثرب «عَلِمْتُ مَا كَانَ وَ مَا سَيَكُونُ» گفته «(همان)؛ «به عجز خویش در روی آن شاهد ازل گفتند: «لَا عِلْمَ لَنَا» «(همان: ۱۰۶).
 * **متمم:** «از «حَبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ» دست بدار «(همان: ۱۲۱).
 * **قید:** «تُبْتُ إِلَيْكَ» گویان به حق می‌نالیدند «(همان: ۵۷).
 * **مسند:** «ماه بنی‌هاشم، محمد المصطفی، در سُبُلِ تَجْرِيدِ «الرَّفِيقُ الْأَعْلَى» گویان شد «(همان: ۴۷)؛ «قَالُوا بَلَى» گویان شدند و عروسِ قَدَمِ را جویان «(همان: ۵۷)؛ «تا چون حبیب «أَسْتُ كَأَحَدِكُمْ» گویان شدند «(همان: ۵۸).

* **گروه مسندی:** که در آن مضاف به همراه مضاف‌إلیه - که آیه یا حدیث است - نقش مسند دارد: «هَرَّانَ در عین نشانش خبر «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَعَى» «(همان: ۴۷)؛ «نوریت در الهامش رمز «مَا أَوْحَى»، زبور در الحانش سرّ «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» «(همان).

* **نقش اضافی:** این نقش، به‌ویژه اضافه تشبیهی، بسامد بالایی در متن شرح شطحیات دارد. ترکیبات اضافی آیات و احادیث در شرح شطحیات را می‌توان به چند دسته زیر تقسیم کرد:

(۱) اضافه اختصاصی:

«رازِ «فَأَوْحَى»، رمزِ «مَا أَوْحَى»، خبرِ «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَعَى»، سرّ «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى»، اشارتِ «جَاءَ حَبِيبًا» (همان).

(۲) اضافه تشبیهی:

این نوع اضافه همان است که در متون متداول است و تعریف آن در کتاب‌های بیان آمده است؛ اضافه مشبّه‌به به مشبّه. در این مورد آیات قرآن و احادیث در حکم مشبّه قرار می‌گیرند؛ مانند: آیینة «صَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ» (همان: ۱۹۴)؛ باغِ «رَبَّنَا ظَلَمْنَا» (همان: ۱۹۵). در ادامه مقاله به تفصیل از آن سخن به میان خواهد آمد.

(۳) اضافه بیانی:

در کتاب شرح شطحیات، ترکیبات اضافی آیات و احادیث وجود دارد که در آن به معنای مرکزی آیه یا حدیث توجه و اشاره شده است. این معنای محوری در بر دارنده ویژگی خاصی است که روزبهان آن را بیرون کشیده، به آیه یا حدیث اضافه کرده است؛ مثلاً حدیث «لَا أَحْصَى ثَنَاءً عَلَيْكَ»، که معنای محوری آن، عجز و ناتوانی از ثنا و ستودن حق تعالی است. روزبهان واژه «عجز» را به همین حدیث اضافه می‌کند: «عَجَزَ «لَا أَحْصَى ثَنَاءً» «(همان: ۳۰۷). اگر این ترکیب را باز کنیم، به این صورت

درمی‌آید: «عجری مانند آنچه در حدیثِ «لَا أَحْصَى ثَنَاءً» آمده است». یا ترکیب «عتابٍ لِأَثْرَابٍ» (همان: ۱۷۹)؛ یعنی «سرزنشی مانند آنچه در آیه «لَا تَثْرِبَ» آمده است». نمونه‌های دیگر: «شرطِ متابعتِ «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»» (همان: ۱۱۸)؛ «مشتِ «فَوَكَرَهُ مُوسَى»» (همان: ۱۶۳)؛ برهنگی «وَوَطَفَقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ» (همان: ۴۲۲). در همه این ترکیبات به معنای محوری آیه یا حدیث اشاره شده است.

باید گفت در این نوع اضافه‌هایی که یک طرف آنها یعنی مضاف‌إلیه، آیه یا حدیث است، از نظر ساختار مانند اضافه تشبیهی‌اند، اما نمی‌توان آنها را مانند اضافه‌های تشبیهی توضیح داد یا دریافت. در اضافه تشبیهی مانند «شکوفه گفتار» می‌توان توضیح داد: گفتار از جهت طراوت و تازگی مانند شکوفه است، اما در اضافه‌هایی مثل: نورِ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، نمی‌توان گفت «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ» مانند نور است، بلکه باید بگوییم: «نوری از نوع نوری که در آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ» آمده است. بنابراین، این گونه اضافات که ساختار اضافه تشبیهی دارند، از نظر معنی و منظور، تشبیهی نیستند، بلکه می‌توان آنها را از نظر معنی نوعی «اضافه بیانی» دانست که مضاف‌إلیه نوع و ماهیت مضاف را بیان می‌کند. در ترکیب‌هایی مانند: چراغدانِ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ»، که در آنها واژه مضاف در آیه نیامده، بلکه کلمه‌ای مناسب با آن آمده است، باید گفت: چراغدانی که در آن نوری از نوع نورِ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ» است. این اضافه‌ها را نمی‌توان از نوع «تلمیحی» قلمداد کرد، چون مضاف‌إلیه تلمیح به معنایی خارج از آیه ندارد و نوع نور گفته شده است. در واقع، درباره صفت یا خصوصیت مضاف توضیح می‌دهد و یا به نوع یا ویژگی آن اشاره می‌کند و اشاره حاضر است نه غایب.

۴) اضافه توضیحی:

مرحوم فرشیدورد درباره این اضافه گفته است: «مانند «شعرِ «عبادت به جز خدمتِ خَلْقِ نیست»... که عبارت «عبادت به جز خدمت خلق نیست»، بَدَلِ «شعر» به شمار می‌رود... آنها را می‌توان «اضافه بدلی» یا نوعی اضافه توضیحی دانست» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۲۰). در شرح شطحیات گاهی از این اضافه استفاده شده است: «آیتِ «تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ»» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۹۵)؛ «حدیثِ «نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أَشَدُّ بَلَاءً لِمَنْ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ»» (همان: ۶۵).

۵) اضافه فاعلی و مفعولی:

«و آن اضافه مصدر و اسم مصدر و اسم معناست به فاعل یا مفعول معنوی آن، مانند: رفتن او (اضافه فاعلی)، دیدن دنیا (اضافه مفعولی)» (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۲۰). نمونه اضافه مفعولی در شرح شطحیات: «نشنیده‌ای که هواخواهان امر در گفتن «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا» حدیثِ «أَنْبِيَاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ» ندانستند؟» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

۶) یکی دیگر از انواع اضافه‌هایی که در شرح شطحیات به کار رفته است و برای آن در کتاب‌های بیان و دستور عنوانی مشخص نشده است، اضافه‌ای است که در آن آیه یا حدیث به جای یک کلمه (اسم یا صفت) به صورت ترکیب اضافی نقل می‌شود. خطیبی از این مورد به عنوان یکی از صورت‌های اقتباس یاد کرده است و این مثال را آورده: «خواص در کُنْجِ بِلَا وَ زَاوِيَةَ عَنَا بَمَانَدَنَدِي وَ بَعْضِي از منافع «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» باطل گشتی» که در آن تمامی آیه به جای کلمه «حدید» آمده است.» (خطیبی، ۱۳۹۰: ۲۰۶). نمونه این نوع اضافه را در این عبارات شرح شطحیات می‌توان مشاهده کرد: «جمله، زبانِ «نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ»، لال «لَا عَلِمَ لَنَا» شده» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۸۷)، یعنی «زبان تسبیح‌گویان»؛ «دانست که سِرِّ تنزیه مراد آن دارد که حَدَث از قَدَم جدا شود به زبانِ «لَا أَحْصَى ثَنَاءً» از غنا بیخودی در معرفت دست بداشت» (همان: ۱۵۶)؛ یعنی «زبان عاجز و ناتوان». روزبهان علاوه بر «زبان»، با واژگانی چون «دهان» و «لب» نیز که در سخن گفتن به کار می‌رود، ترکیب‌هایی با این حدیث ساخته است که ذیل همین نوع اضافه قرار می‌گیرد؛ مانند: «دهانِ «لَا أَحْصَى ثَنَاءً» «(همان: ۲۱۱)؛ «لبِ «لَا أَحْصَى ثَنَاءً» (همان: ۱۶۱).

۲-۲-۲) شیوه‌های پیوستن به جمله

در این بخش برای بررسی شیوه‌های مختلف پیوند آیه یا حدیث به جمله، بر اساس دیدگاه‌های حسین خطیبی عمل می‌کنیم و نمونه‌های آن را در شرح شطحیات نشان می‌دهیم.

چنان‌که گفته شد، خطیبی از جهت کیفیت ارتباط لفظی آیات و احادیث با رشته نثر چهار اسلوب متفاوت را مشخص کرده است (خطیبی، ۱۳۹۰: ۲۰۱). پیش از این، قسم چهارم را ذیل عنوان «ذکر آیات و احادیث بدون پیوند دستوری با متن» توضیح دادیم. در اینجا به سه قسم دیگر اشاره می‌کنیم:

الف) پیوستن آیات و اخبار به رشته نثر بی‌هیچ‌گونه فاصله و بدون استعمال کلمه‌ای که عبارت را از نثر فارسی متمایز و مجزاً نشان دهد، چنان‌که گویی ترکیب عربی دنباله عبارات فارسی است و این در انواع مختلف اقتباس دشوارترین و دقیق‌ترین اقسام آن است: «استاد سرای ازل این کدخدایی از بهر تو نیکو کرده است و میزان تسویت هر دو به دست تو باز داده «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ غُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» (وراوینی، ۱۳۸۸: ۹۹)؛ «سر به گریبانِ اَبَد فرو بر که از این حدیث جهانیان نابیناوند: «يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۱۰)؛ «ممکن شود که تعزز به کبریا حق کرد: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (همان)؛ «معروف چون عارف بیند و عارف چون معروف بیند. نظر یکی است. آن همه حق است که می‌بیند «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ» (همان: ۱۱۳)؛ «مغرور مشو به سال و ماه! چون در غیب پنهان شدی، «لَيْسَ عِنْدَ اللَّهِ صَبَاحٌ وَلَا مَسَاءٌ» (همان: ۲۰۸).

ب) پیوستن آیه یا حدیث به نثر فارسی با «که» موصوله و حذف متمم؛ مانند:

«استمداد قوای او از اجرام علوی و هیاکل قدسی بود و خلعت کمال او این است که «وَمَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (وراوینی، ۱۳۸۸: ۲۶۱)؛ «حقّ القلم بنگر که «الشَّقِيُّ مَنْ شَقَى فِي بَطْنِ أُمَّه» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۰۱)؛ «از قدم خلافت ربوبیت در اصطفائیت این یافت که «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ» (همان: ۲۰۳)؛ «تاجِ «لَوْلَاكَ» بینداز که چون قباء قَدَرِ باژگونه گردد، مهد سکن ملکوت نزد طوارق جبروت ابن آدم زند. در اراکستان عرفات مهار کشتی مطایاء نبوت کشد که «لَيْتَ رَبَّ مُحَمَّدٍ لَمْ يَخْلُقْ مُحَمَّدًا» (همان: ۱۲۱).

ج) پیوستن آیه یا حدیث به عبارت فارسی به طریق ترکیب اضافی، مانند:

«آنچه اندر ازل مقسوم بود، خوردم. سرد و گرم روزگار دیدم و تلخ و شیرین او چشیدم و تنبیه «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» همیشه نصب عین خاطر داشتم» (وراوینی، ۱۳۸۸: ۹۶).

این کاربرد در شرح شطحیات بسامد بالایی دارد و چنان‌که در بخش نقش‌های دستوری بیان کردیم، ترکیب‌های اضافی ساخته شده در شرح شطحیات بیشتر به صورت اضافه تشبیهی است. با توجه به اینکه بحث اضافه تشبیهی در بخش بیان نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت. در اینجا برای اختصار از ذکر نمونه‌های بیشتر خودداری می‌کنیم.

۳- بیان

پیش از پرداختن به این بخش، برای نشان دادن برجستگی کاربرد اضافه تشبیهی و تصاویر شاعرانه آیات و احادیث در شرح شطحیات نسبت به دیگر متون عرفانی، شیوه‌های متعدّد کاربرد آیات و احادیث را در متون عرفانی مشهور پیش از آن بررسی می‌کنیم.

۳-۱) نگاهی به کاربرد تصاویر شاعرانه آیات و احادیث در متون عرفانی

در کتاب‌های صوفیه چون کشف‌المحجوب و رساله قشیریه می‌بینیم که آیات و احادیث به صورت مستقیم و بدون هیچ گونه تصویر - بیشتر به روش تأکید و متمیم مطلب - به کار رفته است. مؤلفان این کتاب‌ها به قصد تعلیم آموزه‌های عرفانی دست به تألیف زدند و بیشتر از آنکه در اندیشه تصویرپردازی و استفاده شاعرانه از آیات و روایات باشند، به فکر تعلیم آموزه‌های قرآنی و مفاهیم صوفیانه در زندگی فرد، از طریق بیان سخنان بزرگان و مشایخ و استنباط آنان از آیات و احادیث بودند: «جنید را پرسیدند از توحید گفت: آن بُود که بنده یگانه گردد به حقیقت یگانگی... و چون این بدانست، نفی کرد اضداد و انداد را و ماندگی و چگونگی صورت و مثال و آنچه بر وی روا نیست، «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (قشیری، ۱۳۸۷: ۹۱) «رویم را پرسیدند که نخست فریضه که خداوند، عزّ

و جلّ، فریضه کرد بر خلق، چیست؟ گفت: شناختن، از بهر آنکه گفت: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (همان: ۹۰).

شاید بتوان گفت اولین ردّ پای کاربرد شاعرانه آیات و احادیث در رساله‌های منسوب به خواجه عبدالله انصاری (قرن پنجم) یافت می‌شود. در این رساله‌ها کم و بیش اضافه‌های تشبیهی و استعاری ساخته شده با آیات و روایات به چشم می‌خورد: «توانگران به سیم و زر نازند و درویشان قوت از «نَحْنُ قَسَمْنَا» سازند» (انصاری، ۱۳۴۹: ۳۲)؛ «چنان اقتضا کرد که خورشید «يُحِبُّهُمْ» بدرخشد و گل «يُحِبُّونَهُ» بشکفت تا جمله کاینات در رضاء او پناه یافتند و هر یک به قصد خویش راه یافتند» (همان: ۱۰۹)؛ «در عالم معنی چون کاتب امر سالک از قلم تیز کار اذکار روز را به وسیلهٔ مداد شب سیاه بر قرطاسِ اخلاصِ «وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» روان دارد» (همان: ۵۴).

در کتاب *سوانح العشاق* غزالی نزدیک به چهار تصویر شاعرانه (اضافهٔ تشبیهی، اضافه استعاری، تشخیص) به کار رفته است: «اصل عشق از قَدَمِ رُودِ، نقطهٔ باءِ «يُحِبُّهُمْ» به تخمی در زمینِ «يُحِبُّونَهُ» افگندند، لا بل آن نقطه در «هم» افگندند تا «يُحِبُّونَهُ» برآمد» (همان: ۷۷).

میبدی در *کشف‌الاسرار*، (در النوبة الثالثة) بیشتر از روش تأویلی بهره جسته است، با این حال، به ندرت به شیوهٔ تصویری نیز پرداخته است: «جمالی دیدند بی‌نهایت، تاجِ «خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» بر سر، خُلهٔ «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» در بر، طرازِ عنایتِ «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» بر آستینِ عصمت (میبدی، ۱۳۵۷، ج ۱: ۱۵۹)؛ «موسی آمد از خود بیخود گشته، سر در سر خود گم کرده ... از بحار عشق موجِ «أَرِنِي» برخاسته» (همان، ج ۳: ۷۳۱). تعداد این گونه تصاویر به کار رفته در *کشف‌الاسرار* انگشت‌شمار است.

عین‌القضات همدانی نیز در کتاب *تمهیدات*، تصاویر شاعرانهٔ آیات و احادیث را آن هم به صورت اضافهٔ تشبیهی به کار برده است: «اما صوم در عالم حقیقت عبارت است از خوردن طعام و شراب، کدام طعام؟ طعامِ «أَبَيْتُ عِنْدَ رَبِّي»، کدام شراب، شرابِ «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» این را صوم معنوی خوانند» (عین‌القضات همدانی، ۱۳۴۱: ۹۱)؛ «کعبهٔ نورِ «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» در قالبِ بایزید بود» (همان: ۹۴)؛ «دریغا در عالمِ «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ» مخفی بود، او را به عالمِ «لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْكَوْنَيْنِ» آوردند» (همان: ۲۶۵). عین‌القضات در نامه‌ها، بیشتر به صورت مستقیم و در جهت تأیید و تأکید سخن خویش یا ارائهٔ تفسیری عرفانی از آیات و احادیث بهره جسته است. این عارف دل‌آشنا، در کتاب *زبدة الحقایق و شکوی‌الغریب* که به عربی نوشته، از این تصاویر استفاده نکرده است.

در این میان باید از سنایی، شاعر بزرگ و بنیان‌گذار شعر عرفانی سخن گفت که در آثار خویش به وفور تصاویر شعری آیات و احادیث را به کار می‌برد. او در مکاتیب خویش از نظر لفظی و معنوی، پی در پی برای بیان مقصود از آیات و احادیث مدد می‌گیرد: «اما هنوز آن تغیر و تحیر بر جای که ای سبحان‌الله، اگرچه آیینۀ صیقل‌زده ایمان معذور بوده از تشریف این جلوه که «الْمُؤْمِنُ غُرٌّ كَرِيمٌ»، اما آینه‌دار معذور نبود از زخم این دو کارد که «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» و «دَعِ مَا يُرْبِيكَ إِلَىٰ مَا لَا يُرْبِيكَ» و از آن اثر که «إِنَّ امْرَأَةَ آغْرَابِيَّةَ قَالَتْ لِعُمَرَ: لَأَيُّ شَيْءٍ تَسْوَدُّنَا إِذَا لَمْ نَعْرِفْ أُمُورَنَا؟» (سنایی، ۱۳۶۲: ۶۴-۶۵). یا «چهره عجز پیش آیینۀ «لَا أَحْصَىٰ ثَنَاءَ عَلَيْكَ» داشته» (همان: ۱۰).

۳-۲) تصاویر شاعرانۀ آیات و احادیث در شرح شطحیات

یکی از ویژگی‌های سبکی شرح شطحیات ساختن تصاویر شاعرانه با آیات و احادیث است. فراوانی تعداد این گونه تصاویر به حدی است که اگر آنها را از کتاب جدا کنیم، چیزی از متن باقی نخواهد ماند. این امر از سویی حاصل نگرش نقشان‌دیش روزبهان است و او با چنین بینشی تجربه‌های کشف و شهود فردی را با مطالعات عمیق عرفانی گره می‌زند و حاصل کار او جهانی می‌شود سرشار از نقش‌های پُر جوش و خروشِ عواطف آمیخته با تأملات نظری. کُربن دربارهٔ بینش نقشان‌دیش روزبهان می‌گوید: «در اینجا با متافیزیکی سر و کار داریم که با مفاهیم بیان نمی‌شود. این متافیزیک اساساً با نقش‌ها، نقش‌هایی پر جلال، با عظمت، صاعقه‌افکن و حیرت‌انگیز کار می‌کند. از هر گونه که بخواهید ... اندیشه و ادراک روزبهان در ذات خود مثالی‌اند که به هیچ وجه به معنای خیالین نیست. همان طور که جهان «مثالین» دنیایی خیالی نبود، محلّ بینش‌های تجلّی‌نگر، محلّ صُور ملکوتی در ملکوت است» (شایگان، ۱۳۷۱: ۳۴۱). مطالعهٔ نمونهٔ منتخب زیر از شرح شطحیات، نقشان‌دیشی روزبهان را در زمینه بیان مطالب کلامی و عرفانی نشان می‌دهد:

«ای حَبَّةٔ مزیلۀ کاروانگاه مراکب افعال! در پستی بمان، تا عَقَابِ عِقَابِ غیرت تو را برگیرد و در حوصلهٔ صفت اندازد. قِدَمِ عَدَمِ گرداند، آن‌گه «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» بخواند. شرم‌نداری که در بحر وحدت بی‌کشتی وحدت توحید را پستی کنی؟» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

تصاویر شگفت از این دست در شرح شطحیات بسیار است. آیات و احادیث نیز در پرتو همین نگاه شاعرانه و هنرمندانه نگریده و بیان شده‌اند. تصاویر شاعرانۀ آیات و احادیث بیشتر از طریق ترکیب اضافی تشبیهی ایجاد شده است که در اینجا به بررسی چگونگی ساخت این گونه اضافه‌های تشبیهی، نقد و تحلیل تصاویر آنها می‌پردازیم.

۳-۲-۱) اضافهٔ تشبیهی

کاربرد اضافه تشبیهی آیات و احادیث در شرح شطحیات بسامد بالایی دارد. نزدیک به ۵۲۵ تصویر حاصل ترکیبات اضافی تشبیهی است که در آن «مشبّه به» به آیه یا حدیث اضافه شده است، (۴۴۰ تصویر از آن آیات و ۸۳ تصویر از آن احادیث است)؛ بسامدی که در میان متون عرفانی کم‌نظیر است. ترکیب‌هایی چون: آتش «إِنِّي أَنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ» (همان: ۱۸۶)، آسمان «قَابَ قَوْسَيْنِ» (همان: ۲۰۹)، آینه «سُنُرِيهِمْ آيَاتِنَا» (همان: ۱۴۲)، آفتاب «هَذَا رَبِّي» (همان: ۲۳۵)، اغذیه «أَلَسْتُ» (همان: ۹۰).

۳-۲-۲) شیوه‌های ساختن اضافه تشبیهی آیات و احادیث

روزبهان برای ساختن این گونه ترکیبات از چند روش بهره می‌گیرد:

الف) انتخاب مشبّه به از واژه‌ای که در خود آیه آمده یا از طریق واژه‌ای که با یکی از واژگان آیه تناسب و هماهنگی دارد؛ مانند: چراغدان «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (همان: ۱۳۸)؛ آتش «إِنِّي أَنَسْتُ نَارًا» (همان: ۱۸۶)؛ کمان گوشه‌های «قَابَ قَوْسَيْنِ» (همان: ۱۲۱)؛ تیر «قَابَ قَوْسَيْنِ» (همان: ۱۲۶).

ب) انتخاب مشبّه به بر اساس قدرت تخیل، به گونه‌ای که یافتن وجه شبه تنها در بافت زبانی متن و آگاهی کامل از معنای آیه امکان‌پذیر است؛ مانند: سوزن «دَنَى» که باید جمله را کامل خواند تا علت تشبیه را دریافت: «تویی که جلباب فقرِ خاموش «لَأَحْصَى ثَنَاءً» به سوزن «دَنَى» دوزی.» (همان: ۱۵۹). «دَنَى» یعنی تقرّب پیامبر (ص) به محضر خداوند، همانند سوزنی است که لباس کهنه و فقیرانه پیامبر (ص) را (یعنی همان عجز پیامبر از ستایش حق تعالی) می‌دوزد و به گونه‌ای بر این درد مرهم می‌نهد. زیبایی ترکیب «سکین «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ» در بافت تأویلات عرفانی داستان تکه‌تکه کردن مرغان توسط ابراهیم (ع) خوش می‌درخشد: «مرغ ازل و ابد با مرغ قدّم و بقا به لباس مرغ خانگی زمین برآمدند. در قفص عنصر این عالم سرّ تنزیه گفت: این قلابان التباس را بر سر شوامخ کبریائی به سکین «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ» پاره کن» (همان: ۱۴۴).

ج) استفاده از مشبّه‌هایی که در متون عرفانی عصر وی رایج بوده است. نمونه برخی ترکیب‌های اضافی تشبیهی در شرح شطحیات را می‌توان در دیگر متون عرفانی پیدا کرد؛ مثلاً «زخم «لَن تَرَانِي» (همان: ۸۹) که در کشف‌الأسرار هم آمده است: «موسی را زخم «لَن تَرَانِي» رسید، اما در حال مرهم نهاد» (میبیدی، ۱۳۵۷، ج ۳: ۷۳۳).

۳-۲-۳) بررسی و تحلیل تصاویر (مشبّه به) آیات و احادیث

مشبّه‌هایی که در جایگاه مضاف، تصاویر آیات و احادیث را شکل داده‌اند یا از مظاهر طبیعت انتخاب شده‌اند یا از مظاهر زندگی بشری (اقشار مختلف مردم، ابزار دست‌ساز انسان).

در این بخش برای تحلیل انواع تصاویر بر اساس مشبّه‌به، فهرستی از اضافات تشبیهی ساخته شده با آیات و احادیث می‌آوریم.

اضافه‌های تشبیهی که مشبّه‌به عناصر طبیعت است:

احادیث	آیات
مرغان «لَا أَحْصَى ثَنَاءً» (۵۶)	آتش «إِنِّي أَنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتَيْكُمْ مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ» (۱۸۶).
عنقاء سایه‌پذیر «ظَلَّ اللَّهُ» (۲۵۹)	آفتاب «هَذَا رَبِّي» ۲۳۵
مرغ «تَنَامُ عَيْنِي» (۱۳۰)	اشتران محامل «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى» (۱۴۶)
شوامخ قاف «خَلَقْتُ بَيْدِي» (۱۹۵)	باد «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا» (۳۰۷)
	بارگیر «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ» (۲۳۹)
	باغ «رَبَّنَا ظَلَمْنَا» (۱۹۵)
	بانگ مرغ «أَلَسْتَ» (۲۴۹)
	بحر «إِرْجِعِي» (۲۲۵)
	بحر «مَا زَاغَ الْبَصَرُ» (۳۰۰)
	بذر «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعِزْمِ» (۷۷)
	براق «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى» (۲۳۷)
	بیابان «أَرِنِي» (۱۹۴)
	خورشید سایه‌گستر «أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ» (۱۵۴)
	دانه درخت «وَلَا تَقْرَبَا» (۲۱۶)
	زمین «لَا شَرْقِيَّةَ وَلَا غَرْبِيَّةَ» (۱۲۸ و ۱۲۹)

اضافه‌های تشبیهی که مشبّه‌به مظاهر زندگی انسان است:

احادیث	آیات
برقع «أُولِيَّائِي تَحْتَ قَبَائِي» (۲۵۷)	آیینة «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُخَيِّبُ الْمَوْتَى»
تاج «لَوْلَاكَ» (۱۲۱ و ۱۶۱)	آیینة «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا» (۱۴۲)
تبیره «تَعْرَضُوا» (۱۴۱)	آیینة «صُورَكُمْ فَأُحْسِنَ صُورَكُمْ» (۱۹۴)
رایت «الْفَقْرُ فَخْرِي» (۱۵۸)	آیینة سیماب «سَنُرِيهِمْ» جمال قدم قدم (۲۲۱)
مسند «الْفَقْرُ فَخْرِي» (۲۱۷)	إجراخواران «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (۲۳۹)
منزل «الْفَقْرُ فَخْرِي» (۲۰۰)	استاد «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ» (۱۸۳)

اغذیه «أَلَسْتُ» (۹۰)	مطربان زبان گبر «لَا أُحْصِي ثَنَاءً» (۲۵۱)
اقلام «تَجَلَّى» (۱۷۰)	لشکر «يُنَزِّلُ اللَّهُ» (۱۴۱)
اقلام «وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ» (۲۲۱)	قاروره‌های «أَنَا أَفْصَحُ الْعَرَبِ» (۱۶۷)
بار «أَنَا عَرْضْنَا آلَ، أَمَانَهُ» (۱۳۰، ۱۶۲، ۱۸۳، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۴۷ و ۲۵۴)	قصور «لَا أُحْصِي ثَنَاءً» (۴۳۰)
سفینه بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا «(۱۰۷ و ۲۵۴)	شکر شراب‌خانه «لِي مَعَ اللَّهِ» (۱۷۴)
بازار «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (۱۶۹)	الماس «لَا تَسْبُوا الدَّهْرَ» (۱۴۶)
سرمه «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» (۱۵۸)	
تیر و کمان «قَابَ قَوْسَيْنِ» (۱۳۵)	
جاسوسان «يَمْخُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ» (۲۴۰)	
جان هدف سهام «قَابَ قَوْسَيْنِ» (۴۶)	
جرس «إِنِّي أَنَا اللَّهُ» (۱۵۹)	
چراغ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ» (۲۴۹)	
چراغدان «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ» (۱۳۸)	
حلقه «اهْبِطُوا» (۲۱۸ و ۲۵۴)	
خُله ناتمام «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (۲۱۸)	
حمالان «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ» (۱۶۹)	
خوان «مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى» (۶۳)	
دام «وَوَعَصَى» (۲۱۶)	
دروازه «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (۴۳۲)	
دفتر «قُلْ هُوَ اللَّهُ» (۲۴۳)	
دیده‌بان «فَتَهَجَّدُ» (۱۸۶)	
زخم سیف «لَنْ تَرَانِي» (۱۷۹)	
گلیم «يَا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ» (۱۹۴)	
ساکن عماری «وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَى» (۱۹۵)	
سپیدمهره «أَلَسْتُ» (۱۷۴)	

شماره ۵۸، سال ۱۷، زمستان ۱۳۹۲
 تنبیهی ادبی

با نگاهی به فهرست تصاویر شاعرانه آیات و احادیث متوجه می‌شویم که تصاویر ساخته شده با مظاهر زندگی بشری بیشتر از مظاهر طبیعت است. مظاهر زندگی را که در متن مشبّه‌به قرار گرفته، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) بخش‌های جغرافیایی: شهر، قریه، شهرستان، بازار، دروازه، قصور، قلعه، قبه، کوچه، فراش‌خانه، صوامع، عزب‌خانه، خرابات، شراب‌خانه.

ب) اقشار مختلف مردم: اجراواران، مطربان، معلّم، استاد، دیده‌بان، عوانان، حمّالان، عیّار، ملاح، برید.

ج) لوازم مربوط به زندگی انسان: اعمّ از لوازم پادشاهی (تاج، مسند)؛ لشکری (مقرعه، تازیانه، تَبیره، تیر و کمان، لشکر، حَرَس، سوار، سیف، سیّاف)، دبیری و دیوانی (قلم، اقلام، خامه، مداد، تخته، دفتر، صحیفه)، زندگی معمولی (آیینه، بیت، منزل، خانه، چراغ و چراغدان، مهد، خُنب، دام، در، حبل، سوزن، سکنین، شراب، شربت، قاروره، اغذیه، مرقاة، مرکب، محمل، بار، مفتاح، مکحله، مهره، نگین)، اعضاء و مناسبات انسانی (چشم، چهره، خال، دم، نفس، روح، روان، زبان، دهان، لب، گوش، مشیمه) در میان مشبّه‌به‌ها دیده می‌شود که غالباً به مضاف‌إلیه افزوده می‌شود و اضافه‌های استعاری را به وجود می‌آورد.

بسامد بالای استفاده از عناصر زندگی بشری برای ساختن تصاویر شاعرانه با آیات و احادیث علاوه بر اینکه تأثیر زندگی شهری را بر ذهن و اندیشه روزبهان نشان می‌دهد، برآمده از امور و اهداف دیگری است از جمله:

۱) روزبهان از لوازم و ادوات و مناسبات زندگی انسان به این سبب این قدر گسترده استفاده می‌کند که مخاطبان او با این اشیاء بیشتر از هر چیز آشنایی دارند و استفاده از آنها به روزبهان کمک می‌کند تا غرابت سخنان خود را از طریق این اشیاء بیشتر در سطح ذهن مخاطبان بیاورد. به علاوه، از این طریق روزبهان اندیشه خود را با زندگی و اعتقادات دینی که مردم با هر دو سر و کار دارند، پیوند می‌زند تا توجه آنان را بیشتر جلب کند. پیوند میان اعتقاد و زندگی که پیوندی میان ذهن و عین عادت شده مخاطبان است، مخاطبان را نسبت به عادت‌های ذهنی و عینی خود حسّاس می‌کند. روزبهان به قصد شکستن نگاه عادت‌مدار آنها در هر دو حوزه زندگی و کلام حق تعالی و پیامبر (ص) اقدام به تصویرسازی می‌کند و این دو امر عادی شده را به هم پیوند می‌زند و از این طریق، «جور دیگر دیدن» را به آنان یاد می‌دهد؛ مثلاً وقتی می‌گوید: «عوانانِ «أُنْجَعَلُ»» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۱۵) یا «دیده‌بانِ «فَتَهَجَّدُ»» (همان: ۱۸۶)، یا «سیّافِ «يَجْعَلُ اللهُ»» (همان: ۴۳۱)، از سویی، کار طبقه «عوانان، دیده‌بانان، سیّافان» مهمّ و برجسته شده است، از زاویه دیگری، غیر از آنچه مرسوم و معمول بود، به آن نگرسته می‌شود و از سوی دیگر، توجه خواننده را به تأمل بیشتر در آیات ذکر شده، جلب می‌کند. بدین ترتیب، هدف دیگر روزبهان که تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب است، برآورده می‌شود. برای مثال به این آیه توجه کنید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا؛ و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست. امید است که پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد» (الإسراء/ ۷۹). روزبهان با استفاده از این آیه چنین می‌گوید: «دیده‌بانِ «فَتَهَجَّدُ» کمندِ «مقام محمود» دراندازد» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۸۶). تصویر این عبارت چنان در ذهن مخاطب نقش می‌بندد که از آن پس هر بار که چشمش به دیده‌بان

می‌افتد، این آیه به ذهن او متبادر می‌گردد و هر گاه در قرآن به این آیه برسد، کار دیده‌بان و پاسبانی شبانه‌اش را به یاد می‌آورد. بدین ترتیب، چند نتیجه حاصل می‌شود: جلب توجه مخاطب به کلام و همنشینی ناآشنای دو کلمه آشنا و از این طریق، تحریک نیروی اندیشه، حافظه، تخیل و قدرت تداعی معانی مخاطب.

البته نباید گمان کرد تنها دنبال کردن چنین اهدافی باعث پدید آمدن این تصاویر شده است. چنان‌که پیشتر اشاره شد، بینش نقش‌اندیش روزبهان نمی‌تواند جز با تصاویر از مفاهیم عمیق آیات و احادیث که در ذهن او ریشه دوانده است و از طریق مطالعه متون عرفانی و تأملات دقیق نظری و مکاشفات فردی وی به بار نشست، سخن بگوید. ذهن و تخیل فعال روزبهان همچون صیادی است که نقش‌هایی متناسب با هر معنی را از عالم عین و ذهن شکار کرده، به زنجیر زبان و کلمات می‌کشد. بنابراین، زبان تصویری شیوه غالب بیان کتاب شرح شطحیات است.

با این همه، هر چند زبان تصویری آیات و احادیث در شرح شطحیات از نظر هنری و ادبی درخور تحسین و ستایش است، اما فهم آن را برای مخاطب عادی دشوار می‌کند، چراکه بیان تصاویر پی‌درپی، آن هم با زبانی سرشار از اصطلاحات کلامی و عرفانی، ذهن مخاطب را خسته می‌کند و به راستی در این زمینه باید روزبهان بود تا بتوان به وسعت ادراک تصاویر و اندیشه‌هایش دست یافت.

۲- شاید بتوان گفت یکی از دلایل بسامد بالای تصاویر شاعرانه‌ای که با لوازم و مناسبات زندگی بشر ساخته شده‌اند، ریشه در اندیشه و نگاه روزبهان به جایگاه انسان دارد. اهمیت و توجهی که روزبهان برای مقام انسان در جهان و کائنات قائل است، از سویی چنان تصاویر شاعرانه را رقم زده است و از سوی دیگر، باعث شده تا در جای‌جای کتاب پس از شرح برخی از شطحیات، فصل‌هایی را با عنوان «فی وصفی»، «فی وصف حالی»، «فی مقالتی» بیاورد که در آنها با توصیفات شگفت، وجود خویش را که نماینده انسان کامل یا حقیقت وجودی انسان است، مخاطب قرار داده است: «ای جوهر سبوحی! در سبکِ حدت چند باشی؟! ای مرغِ قدوسی! بر کنگره کبریا چرا برنبری؟ خفتان موسی در هاویه عشق انداز تا در عشق هم‌رنگ جان عیسی شوی» (همان: ۹۳)؛ «ای شیرا! جمله صفاتی، نه تو بودی که صد هزار بار قامت سماوات ازل در آغوش خسته کردی؟ نه تو بودی که زیر نعلِ رخش رستم عشق شهرستان ابد در آوردی؟ رسوم ربوبیت به غبار حیزوم جان منطمس کردی» (همان: ۹۸).

۳-۱-۳) اضافه تشبیهی و توصیف کنایی

چنان‌که گفته شد، اضافه تشبیهی مهم‌ترین روش تصویرسازی با آیات و احادیث است، اما در مواردی قصد روزبهان تنها ارائه تصویری تازه با آیات و احادیث نیست، بلکه با استفاده از تصویر ساخته شده، به صورت غیر مستقیم و استعاری که می‌توان آن را توصیف کنایی نامید، به نام پیامبران و

شخصیت‌های دینی و اعتقادی اشاره می‌کند. روزبهان از این طریق قدر و بزرگی آنان را برای مخاطب تجدید می‌کند؛ مثلاً به جای آنکه بگوید «فرشتگان»، می‌گوید: «عوانانِ «أَتَجْعَلُ»» (همان: ۱۱۵). این مسأله به خصوص در مورد پیامبر اکرم (ص) بسیار به چشم می‌خورد. روزبهان تقریباً در همه جای شرح شطحیات از پیامبر (ص) با مجاز و کنایه یاد کرده است. در اینجا به برخی از این تصاویر اشاره می‌کنیم.

پیامبر (ص): ابلق سوارِ «قوسین» (همان: ۲۲۳)؛ بینندهٔ ناوک‌اندازانِ «قَابَ قَوْسین» (همان: ۳۴۸)؛ ساکن گلستانِ «فَتَدَلِّي» (همان: ۱۶۳)؛ عروسِ «يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ» (همان: ۲۵۷ - ۲۵۶)؛ قهرمانِ «قَابَ قَوْسین» (همان: ۱۵۵)؛ مسافرِ «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ» (همان: ۱۶۵)؛ مرغِ آشیانِ «ذَنِّي» (همان: ۲۴۰)؛ مرغِ قفسِ «ذَنِّي» (همان: ۳۰۵)؛ نازک‌دلِ «وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ» (همان: ۱۶۳)؛ ناقه‌کشِ مهدِ «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى» (همان: ۱۵۸).

آدم (ع): عالمِ علمِ «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ» (همان: ۱۱۴).

حضرت موسی (ع): آتش‌خواهِ «إِنِّي أَنسَتُ نَارًا» (همان: ۱۱۸)، سوارِ «أَرِنِي» گوی (همان: ۱۴۱).

حضرت عیسی (ع): ناطقِ مهدِ «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ» (همان: ۴۳۰).

خضر (ع): کاروانسالارِ «وَعَلَّمَانَا» (همان: ۱۵۷).

به نظر می‌رسد روزبهان در نوشتن شرح شطحیات و عبر‌العاشقین تحت تأثیر زبان مکتوبات سنایی و سوانح‌العشاق غزالی و چه بسا آثار عین‌القضات و طواسین حلاج بوده است. با این حال، او در کاربرد این سبک آمیخته با تصاویر به خصوص در صورت اضافه‌های گوناگون تشبیهی و استعاری، آنقدر افراط می‌کند که خود سبک و زبان مستقلی پیدا می‌کند.

۴- معانی

در علم معانی معمولاً به معانی ثانوی انواع جملات چون، خبری، پرسشی، عاطفی توجه شده است. اما چگونه می‌توان آیات و احادیث به کار رفته در متن فارسی را از نظر علم معانی مورد بحث قرار داد؟ به نظر می‌رسد کسی تاکنون موضوع را از این منظر مطرح نکرده است. البته باید گفت در این مورد نمی‌توان معانی ثانوی آیات و احادیث را در نظر گرفت، بلکه باید به **دلایل معنایی** یا **اغراض ثانوی** کاربرد آنها در جمله توجه داشت؛ یعنی دلایل و اهدافی چون تمییم، تکمیل یا تأیید مطلب و ... را بررسی کرد.

حسین خطیبی ذیل بحث انواع اقتباس، علاوه بر بررسی ارتباط لفظی آیات و احادیث، مطالبی دربارهٔ ارتباط معنایی آنها با جمله آورده است که از این جهت در خور دقت و توجه است (ر.ک؛ خطیبی، ۱۳۹۰: ۲۰۵). در این بخش با استفاده از دیدگاه ایشان ارتباط و دلایل معنایی آیات و احادیث به کار رفته در جملات شرح شطحیات را نشان می‌دهیم.

از نظر کیفیت ارتباط معنوی آیات و احادیث با عبارات فارسی، این شیوه‌ها دیده می‌شود:

(۱) به طریق تتمیم و تکمیل، در این نوع که بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس به شمار می‌آید، آیات و احادیث نه تنها از جهت لفظ، بلکه از نظر معنی نیز با اتساق و اتصال کامل در دنبال عبارت فارسی آورده می‌شود و بی هیچ گونه جدایی و تمایز بدان می‌پیوندند:

- «از مضایق شدت به فراخی نعمت رسیدند و از زندان به بستان و از بیابان درویشی به ایوان خوشی و از عذاب مقیم به جنات نعیم و لباس از استبرق و حریر و اطعمه و فواکه «وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ * وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ» و اشربه مختوم «خِتَامُهُ مِسْكَ» (جوینی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۶).

- «درخت آدم به تربیت احکام بالید. عروق در زمین قدم محکم کرد؛ «أَصْلُهَا ثَابِتٌ»، سر به هوای بقا برافراشت؛ «وَفَرَعُهَا فِي السَّمَاءِ» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۶۶).

- «که آنجا گشتگان عشق به حیات ازل زنده بینی «بَلْ أَحْيَاءُ» (همان: ۱۶۹).

- «زیرا که به قدرت متصف شد. قدرت قدیم حسب اوست؛ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (همان: ۲۷۳).

(۲) به طریق توصیف یا تشریح معنی قبل، مانند:

- «آن روز که «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمُّهُ وَأَبِيهِ» نقد حال گردد» (وراوینی، ۱۳۸۸: ۱۷۱).

- «زیرا که در حکایت‌شان سکینه و وفاء قول «وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ» است» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۶۶).

(۳) بر سبیل تنظیر و تأکید یا تأیید معنی قبل، مانند:

- «سوار گفت شک نیست که تخفیف کردن از متحملان بار کلفت در میزان حسنات وزنی تمام دارد و از آن به بهشت باقی توان رسید، «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ» (وراوینی، ۱۳۸۸: ۶۸۶).

- «نمی‌دانند که جان پُردرد عاشقان در لزوم انس و حِجَالِ قُدْسِ به دیده حق، حق را ببینند «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۶۱).

- ««وَأَشْوَقاءِ» حبيب در حق ماست و در کتاب مجید حق بدین سخن گواست؛ «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» برخوان و خبر «مَثَلُ أُمَّتِي كَمَثَلِ الْمَطَرِ لَا يَدْرِي أَوْلُهُ خَيْرٌ أَمْ آخِرُهُ» (همان: ۶۲).

- «ساقیان مجلس جنت با شراب نعیم از عیون معین گرد ایشان طواف می‌کنند؛ «يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ» (همان: ۷۹).

۴) کاربرد تأویلی: به جز موارد یاد شده در کتاب خطیبی، از لحاظ ارتباط معنوی آیات و احادیث با عبارات، می‌توان به کاربرد «تأویلی» اشاره کرد که در متون عرفانی رایج است. کاربرد «تأویلی» را از سویی می‌توان ذیل همان تأیید یا تأکید مطلب گنجانند، اما چون با ساختار ویژه‌ای آن هم در برخی متون عرفانی به کار می‌رود، بهتر است ذیل بخشی جداگانه از آنها سخن گفت. در تفسیر میبیدی تأویلات عرفانی آیات قرآن یکی از بخش‌های مهم کتاب یعنی «النوبة الثالثة» را رقم زده است. در آثار عین‌القضات نیز از این گونه تأویلات فراوان به چشم می‌خورد: «اما صوم در عالم حقیقت عبارت است از خوردن طعام و شراب، کدام طعام؟ طعام «أبیْتُ عِنْدَ رَبِّي»، کدام شراب؟ شراب «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» این را صوم معنوی خوانند، روزه جان باشد، این صوم خدا باشد که «أَلْصَوْمُ لِي» «(عین‌القضات همدانی، ۱۳۴۱: ۹۱). کاربرد «تأویلی» در شرح شطحیات نیز به قصد القای معانی ناشی از استنباط مؤلف در جهت تأیید مطلب خویش است. به بیان دیگر، تأویل آیات و احادیث برای روزبهان ابزار است نه هدف. او به دلیل مطالعات بسیار آثار عرفانی عارفان پیش از خود چون حلاج، سنایی و ... از بیشتر تأویلات آگاهی دارد و خود بارها قرآن را با همان تأویلات عرفانی خوانده است و با آنها در جهان ذهن خود زیسته است. تفسیر عرائس البیان وی نمونه‌ای عالی از تأویلات عرفانی است. در عین حال، تجربیات فردی عرفانی او نیز، چنان که از کتاب او کشف‌الأسرار معلوم می‌شود، سرشار از وجد و حال و شور و مکاشفه است. بنابراین، هنگام نوشتن اثر خویش دانش کسبی حاصل از مطالعه را با حکمت برآمده از کشف و مشاهده گره می‌زند و اندیشه و دیدگاه خود را در قالب زبانی سرشار از اصطلاحات کلامی و عرفانی به مخاطب عرضه می‌کند. برای مثال به این جملات توجه کنید: «در ترقی احوال سید بنگر. چون مرتقی شد در مدارج توحید که چون به دروازه صرف قدم رسید و مقام اولش چون از کون برآمد، به نعت «مَا زَاغَ الْبَصَرُ» دنو دنو بیافت. در شهود عین افتاد. از او بدو بترسید. گفت: «أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ» (بقلی شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۰۰). روزبهان با زبان ویژه خویش به روایت تازه‌ای از تأویلات شناخته شده، پرداخته است. در مثال فوق، اندیشه صوفی‌مآبانه بر متن حاکمیت دارد (تصویر پیامبر (ص) در جایگاه سالکی که قصد دارد از درجات توحید بالا رود)، آیه «مَا زَاغَ الْبَصَرُ» و حدیث «أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ» ابزاری شده برای بیان این اندیشه که پیامبر (ص) چگونه از درجات توحید بالا رفته است. زبان هم آمیخته با اصطلاحات کلامی و عرفانی است: «توحید، قدم، مقام، شهود عین». بافت متن هم به صورت روایت ارائه شده است؛ روایتی که نگاه ما را نسبت به شأن نزول شناخته شده آیه یا نقل حدیث دگرگون می‌کند.

نتیجه‌گیری

شرح شطحیات اثر روزبهان بقلی از متون عرفانی منثور قرن ششم دارای سبک فنی است. یکی از بارزترین ویژگی سبکی این کتاب، بسامد بالای کاربرد آیات و احادیث به شیوه‌های گوناگون است. به

طور کلی، ۱۱۲۸ مرتبه آیات قرآن و ۴۰۰ مرتبه احادیث نبوی (ص) در متن به کار رفته است. برای شناخت شیوه‌های مختلفی که روزبهان به اقتباس از آیات و احادیث دست زده، از سه منظر دستور، بیان و معانی به این مبحث پرداختیم. در حوزه دستور، آیات و احادیث در نقش‌های متعددی چون فاعل، نهاد، مفعول، قید، مسند، متمم و اضافی به کار رفته‌اند. در این میان، نقش اضافی کاربرد بیشتر و متنوع‌تری داشت که به صورت‌های مختلفی چون اضافه تشبیهی، توضیحی، بیانی و ... به کار رفته بود. همچنین با استفاده از دیدگاه حسین خطیبی کیفیت انواع ارتباط لفظی و نحوه پیوستن آیات و احادیث به جمله بررسی شد. در بخش بیان گفته شد که ترکیب اضافه تشبیهی که در آن آیه یا حدیث حکم مشبه دارد، مانند: آسمان «قَابَ قَوْسین»، تاج «لَوْلَاک»، دارای بسامد بالایی است (نزدیک به ۵۲۵ ترکیب اضافی تشبیهی). روزبهان از روش‌های متعددی برای ساختن این گونه اضافه‌های تشبیهی استفاده می‌کند. همچنین تعداد اضافه‌هایی که مشبه به از مظاهر زندگی انسان انتخاب شده، بیشتر از مواردی است که مشبه به مظاهر طبیعت است. علت این امر از سویی، ریشه در نگاه روزبهان دارد؛ اهمیتی که او برای انسان و جایگاهش در خلقت قائل است و از سوی دیگر، توجه وی به جلب نظر مخاطب از طریق آشنایی‌زدایی. بدین وسیله، هم مظاهر عادی شده زندگی، غریب و تازه می‌نماید و هم معانی آیات و احادیث از منظری تازه نگاه می‌شود. اضافه‌های تشبیهی کارکرد دیگری نیز در متن بر عهده دارند و آن ابداع صفات و کنایات تازه برای توصیف پیامبران، به‌ویژه پیامبر اکرم (ص) و فرشتگان است؛ مانند ترکیب «عوانان» «أَتَجَعَلُ» (همان: ۱۱۵) که کنایه از فرشتگان است. در بخش معانی نیز بیان شد که برای بررسی آیات و احادیث از این منظر بهتر است به دلایل معنایی کاربرد آنها در جمله پرداخت و اینکه چگونه از طریق ارتباط معنایی آیه و حدیث با جمله اهدافی چون تأیید، تکمیل یا تأویل مطلب دنبال می‌شود. در این مورد نیز از نظریات حسین خطیبی بهره جستیم.

شماره ۵۸، سال ۱۳۹۲، زمستان ۱۳۹۲
 شماره ۵۸، سال ۱۳۹۲، زمستان ۱۳۹۲
 شماره ۵۸، سال ۱۳۹۲، زمستان ۱۳۹۲

پی‌نوشت‌ها

- ۱- برای یافتن آمار دقیق آیات و احادیث از پایان‌نامه دکتری الهام رستاد با عنوان تصحیح شرح شطحیات روزبهان بقلی استفاده شده است (ر.ک؛ رستاد، ۱۳۹۲).
- ۲- شمیسا در کتاب معانی و بیان به یکی از انواع اضافه، یعنی «اضافه تلمیحی» اشاره کرده است و ترکیباتی چون «مصر عزت» را اضافه تلمیحی خوانده است (ر.ک؛ شمیسا، ۱۳۷۶: ۸۵). به نظر می‌رسد اضافه‌هایی چون «مصر عزت» را می‌توان نوعی مجاز مرسَل خواند که مضاف‌إلیه، صفت خاص مضاف را تداعی می‌کند. اضافه تلمیحی اشکال وسیع‌تری را تداعی می‌کند که انواع مختلفی را که ارزش بلاغی ندارند، نیز در بر می‌گیرد.
- ۳- مثال‌های آغازین پس از هر تعریف از فن نثر حسین خطیبی است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. آریا، غلامعلی. (۱۳۶۳). *شرح احوال و آثار و مجموعه اشعار به دست آمده شیخ شطاح روزبهان بقلی فسایی*. چاپ اول. تهران: روزبهان.
- انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۴۹). *رسائل جامع خواجه عبدالله انصاری*. تصحیح و مقابله وحید دستگردی. مقدمه و شرح حال کامل از حسین تابنده گنابادی. چاپ سوم. تهران: کتابفروشی فروغی.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی. (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی*. چاپ نوزدهم. تهران: فاطمی.
- بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۸۲). *شرح شطحیات*. تصحیح هانری کربن. چاپ چهارم. تهران: طهوری.
- _____ . (۱۳۳۷). *عبرالعاشقین*. تصحیح هانری کربن و محمد معین. تهران: انیستتو ایران و فرانسه.
- جوینی، عطا ملک بن محمد. (۱۳۸۸). *تاریخ جهانگشای جوینی*. تصحیح حبیب‌الله عباسی، ایرج مهرکی. چاپ دوم. جلد اول. تهران: زوآر.
- خطیبی، حسین. (۱۳۹۰). *فن نثر در ادب پارسی*. چاپ چهارم. تهران: زوآر.
- دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۷). *روزبهان‌نامه*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- رستاد، الهام. (۱۳۹۲). *تصحیح شرح شطحیات روزبهان بقلی*. پایان‌نامه دکتری. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۶۲). *مکاتیب سنایی*. به اهتمام، تصحیح و حواشی نذیر احمد. تهران: انتشارات کتاب فرزاد.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). *بیان و معانی*. چاپ هفتم. تهران: فردوس.
- عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد. (۱۳۴۱). *مصنفات عین‌القضات همدانی*. جلد یکم (زبدة‌الحقایق، تمهیدات، شکوی‌الغریب). مقدمه و تصحیح عقیف عسیران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ . (۱۳۴۸). *نامه‌های عین‌القضات همدانی*. به اهتمام علینقی منزوی و عقیف عسیران. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- غزالی، احمد. (۱۹۴۲ م.). *سوانح‌العشاق*. تصحیح ه. ریتز. استانبول: مطبعة معارف.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۸). *دستور مفصل امروز*. چاپ سوم. تهران: سخن.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن. (۱۳۸۷). *رسالة قشیریة*. ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. چاپ اول. تهران: زوآر.

- الفلقشندی، أبو العباس احمد بن علی. (۱۴۰۵ق.). *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء*. ج ۱. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- محمدی، محمدعلی. (۱۳۷۴). *تأویل آیات و احادیث در متون فارسی تا قرن هفتم*. پایان نامه دکتري. دانشگاه تربیت مدرس.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۵۷). *کشف الأسرار و عده الأبرار*. به اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۸۸). *مرزبان نامه*. به کوشش خلیل خطیب رهبر. چاپ چهاردهم. تهران: صفی علیشاه.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. (۱۳۸۷). *کشف المحجوب*. تصحیح محمود عابدی. چاپ چهارم. تهران: سروش.
- همای، جلال الدین. (۱۳۷۹). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. چاپ هفدهم. تهران: هما.